



مشاهیر افغانستان

نگارش آقای م. کریم خان نژیی

جناده هروی! یکی از مشاهیر علما و لغویین افغانستان در قرن (۴) چهارم هجری، ابواسامه جناده (۱) بن محمد بن الحسین الهروی الازدی است. اصل وی از هرات و از سال ولادتش متأسفانه اطلاعی بنظر نرسید.

در هرات به نزد ازهری هروی و سایرین تعلم و اکتساب علوم مختلفه نموده، سپس از انقضای زمانی، بنا بر رسم و عادت معمول علمای آن عصر و زمان مسافرت اختیار نموده، وارد شیراز گردید. و در انجا مجلس صاحب اسماعیل بن عباد را دریافتی. و نویسند (۲)؛ روزی در مجلس ابن عباد که مشارالیه سخت مشغول کاری بودی، جناده بالباس مندرس و گهنه بروی داخل شدی و به نزدیک وی نشستی. و صاحب وقتیکه ملتفت شد که شخص بالباس مقلوک و قیافه ژولیده ئی به بزدوی نشسته است، بر آشفت و بغضب آمده گفت ای سگ برخیز، جناده متاثر شده بجواب گفت: سگ کسی است که سه صد اسم از برای سگ نداند. و پس ازین سخن صاحب دست بجانب وی دراز نموده، گفتی: برخیز جائیکه نشسته ئی مناسب توییست و بسوی خود کشید هر چندیکه این روایت را علامه

۱ - جناده! بضم جیم، فلاح نون و بعد از ان الف و دال مهمله مفتوحه و آخر آن ها.

۲ - بغیه الرواة سیوطی ص ۲۱۲.

جلال‌الدین سیوطی در بغیة الوعاة نگاشته است، ولی نگارنده صدور چنین کلمات رکیکی را از شخص فاضل و دوستدار علمی بمانند صاحب ابن عباد به نهایت بعید و دور دانسته بهیچوجه مورد اعتماد گمان کرده نمیتواند. والله اعلم.

وروزگاری پس از آن وارد مصر گردیده، سنوات چندی در آن دیار توقف گزیده، در جامع المقیاس (واقع بکنار نهر نیل) ساکن و بقرائت می پرداخت. با حافظ عبد الغنی بن سعید المصری و ابوالحسن (به روایتی ابواسحاق) (۱) علی بن سلیمان المعری النحوی الانطاسکی موافقت و الفت داشته، بین آنها و او اتحاد تمامی قائم بود. همواره در دارالعلوم اجتمع نموده، با هم در آداب و مفاوضات ادبی اشتغال داشتندی. و بمباحثات و مذاکرات مختلفه علمی روزگار بسر می بردی. تا آنکه شخص مفسدی از ایشان به نزد الحاکم بامرالله خلیفه فاطمی مصر (۲) سعایت نموده، کفایتی؛ که شخصی شوم در جامع المقیاس سکونت داشته به تدریس نحو و تعزیم نیل مصر و ف است. و از عزائم و افسون اوست که رو دنیل بفیضان نیامدی، در آپ آن آفر وانی رو نمیدهد. و حاکم مذکور از آنجا که شخص بغایت بیرحم بودی، و چنانکه معروف است.

۱- به روایت ابن خلکان ابو الحسن علی و بقرار نگارش سیوطی در بغیة الوعاة ابواسحاق علی بن رقیات الاعیان ج اول ص ۱۱۷ یکسد و هفده.

۲- هو ابو علی منصور بن العزیز باللهی صاحب مصر ششمین شخصی از ملوک فاطمیه و سیومین حکمران فاطمی مصر است. که در ۳۸۶ هـ بعد از وفات والد خود [العزیز بالله] بسن ۱۱ سالگی اریکه آرای خلافت مصر گردید. با وجودیکه در ابتدا حکمرانی خود اجرای عدل و حقانیت می نمود. در اواخر بزر اثر از ریشایی ملاحظه اینکه در مصر ظهور نمودند (شرار و خذف او جزه) رفته، مغایر شرع مرتکب بکدسته اجمال و حرکات مجنونانه شد حق بدعوی نبوت و الوهیت نیز جرات و قیام ورزید. تا آنکه بعد از ۲۵ سال بدین منوال حکمرانی، بواسطه تشویق و ترغیب همیره اش بسال سنه ۴۱۱ هـ بسن ۳۶ سال و نه ماه بقتل رسیده، حسب وصایت او پسرش الظاهر عزاز دین الله [ابوالحسن علی بن منصور] جانشین وی شده رجوع بجماد ۴۱۱ هـ ابوالفدا.

از اخلاقیات ذره بهره نداشته ، بفسک دما سخت عطش و میلان
فوق التصوری را دارا بود . همان است ؛ که از سعایت ساعیان بکین و ستیز آمده
حکم بقتل جناده و رفقایش داد . بروایت (۱) در یکی از روزهای ذی قعدة
و بروایت (۲) دیگر در سیزده ذیحجة الحرام سال ۳۹۹ هـ مطابق (۱۰۰۹)
یکهزار و نه مسیحی بقتل رسید . ولی تنها کسیکه از بین آنها جانی سلامت برد ،
حافظ عبد الغنی بود ، که مخفی گردیده متواریانه بسر می برد .

علی ای حال جناده ، شخص فاضلی بوده ، در نحو و لغت مهارتی داشت . لغات
زیادی چه از مستعمله و چه از وحشیة زبان نازی بیاد داشته گویند ، طوری و قوف
و تصرفی در آن زبان مالک بود . که در زمانش پیاپی آن کسی نرسیده .

و بعلاوه نوشته اند که از ابوالاحمد عسکری روایت دارد . (شاید که مراد
روایت حدیث باشد) و ابوسهل محمد بن علی هروی از تلامذة او است .
که در مصر از نزد وی لغت را فرا گرفته .

احمد بن محمد بن سعید المعروف بغزنوی . مشارالیه مردی فاضل
الغزنوی :

و اصولی بود . علی الخصوص در فقه مهارتی بسزا داشته ، از نخبه

فقها و مشاهیر فضلا بشمار میرود . و هر چند بیکه از ولادتش اطلاعی بدست نیست .
ولی محقق است که وفاتش بسال ۵۹۳ هـ مطابق ۱۱۹۷ یکهزار و یکصد و نود و هفت
مسیحی در حلب با اتفاق پیوسته . روضة اختلاف العلماء ، المقدمة المختصرة (در فقه)
و روضة المتکلمین (در اصول دین) از معاریف مؤلفات اوست - و در کتب
موجوده بدبختانه بیش از این چیزی راجع به این بزرگوار دستیاب نشد .
ناگاشته می آمد .

ابو سهل هروی : اسم و کنیه وی چنانکه در کتب سیر و تواریخ مسطور است . هو محمد بن علی بن محمد ابوسهل لغوی زیل مصر بنظر میرسد . اصل وی از هرات است و تولدش باصح روایات به (۷) هفتم ماه رمضان المبارک سال ۳۷۲ سه صد و هفتاد دو هجری مطابق ۹۸۳ همد و هشتاد و سه مسیحی در آنجا با اتفاق پیدوسته .

مشارالیه مذکور ، در لغت از اجله لغویین و مبرزین این فن بشمار رفته ، در نحو بر ایت و مهارت قابل تذکری داشته ، دارای تالیفات متعددی است .

روزگاری در مصر بسر برده ، در آنجا بریاست مؤذنین جامع مصر تعیین و دران وظیفه اشتغال داشتی . بعلاوه استطاعت و دسترس کاملی که در علم نحو و علم لغت دارا بوده ، از فحول علمای و متخصصین آن محسوب میشود . چندی در اخذ حدیث نیز توغل ورزیده ، و دران لیاقت کافی همبرسانده است . و بطوریکه نگاشته اند ، از ابو عبید احمد بن محمد هروی روایت حدیث داشته ، و ابوبکر محمد بن حسن نیمی لغوی از وی حدیث روایت و نقل نموده است .

در فن خط نویسی نیز بصیرت و سوقوفی بهمبرسانده ، بقرار نگارش علامه جلال الدین سیوطی در بغیته الوعاة صحاح (۱) جوهری را بخط خود نوشته است .

و در مصر بتاریخ یوم یکشنبه ۱۳ سیزده ماه محرم الحرام سال ۴۳۳ چهارصد و سی و سه هجری مطابق ۱۰۴۱ یکهزار و چهل و یک مسیحی ازینجهان فانی

« ۲ » صحاح از جمله معتبره در لغت و تالیفات ابونصر اسماعیل بن احمد جوهری است . که اصل او از طرابلس (حالا موسوم باطرار) از توابع ماوراالنهر و در عصر خود از علمای مبرز لغات عربیه بشمار میرفت . و حسن خط بد رجه عالی می نوشت . و فاتش در نیشابور بسال ۲۹۸ سه صد و نود و هشت هجری است . ابوالفدا

بدار عقبی رخت سفر بر بسته ، شرح فصیح نعلب (طبع شده) و مختصر آن ، اسما
الاسد و اسما السیف و غیره از تالیفات اوست که بیاد کار گذاشته .

بروایت عبدالله بن احمد الانصاری ولی نظر بنگارش علامه
ابو ذر هروی :

جلال الدین سیوطی در بغیة الوعاة (١) عبد بن احمد

الهروی است . اصل وی از هرات بوده ، و در حدیث از محدثین بشمار میرود .
روزگار آن در سرخس ، بلخ ، مرو ، بصره ، دمشق و مصر مسافرت پیشه ساخته
و در استماع حدیث در آند یارمی پرداخته . وزمانی بمجاورت مکه معظمه سکونت
اختیار و زندگانی بسر میبرد و بدارقطنی (٢) و سائر مشاهیر عصر در آن مملکت
محبور بود .

در مذهب مالکی و در روایت صدوق و مؤتوق است . و سیوطی مینویسد : که
محمد بن علی بن الحسن بن البراء بکر نحوی از ابو ذر مذکور روایت حدیث نموده .
وفاتش بسال ٤٣٤ هـ چهار صدوسی و چهار بوده ، المستدرک علی الصحیحین
معجم الشیوخ ، کتاب المناسک ، بابک تفسیر و غیره از مؤلفات اوست . (نا تمام)



(١) ص ٧٥ س ٢٩ .

[٢] دارقطنی هو ابوالحسن علی بن عمر بن احمد امام عصر خود در حدیث بود . تولدش بسال ٣٠٦ هـ مطابق ٨٩١ در بغداد است . زمانی در مصر مسافرت اختیار ، پس از انقضای مدتی بغداد عودت کرده ، و در سنه ٣٨٥ هـ مطابق ٩٩٥ م در آنجا وفات نموده . تالیفات معتبری در حدیث دارد . و دارقطنی اسم محله از بغداد است رجوع شود بوفیات الاعیان .